

زمان زرتشت - ۲ -

بقلم آقای پور داود

داستانی که کتزیاس راجع به نینوس و زنتس سمیرامیش ذکر میکند شاید در ایران شنیده باشد هر چند که این داستان اساساً سامی است ولی ضمناً یادآور داستانهای رزمی شاهنامه است، چنانکه ملاحظه میشود در کتاب دیودوروس Diodorus نقل از کتاب کتزیاس پادشاه بلخ اوخسیارتس Oxyartes ضبط شده ولی شکی نیست که این پادشاه را اصلاً کتزیاس در کتاب خود زرتشت نامیده است زیرا در کتب گروهی از مورخین دیگر که مآخذ همه آنان کتزیاس میباشد این پادشاه زرتشت نامیده شده است، نه اوخسیارتس. کفالیون Kephalion مورخ یونانی که در نیمه اول از قرن دوم میلادی میزیسته و بتصریح خودش مآخذش کتاب کتزیاس بوده این اسم را زرتشت نوشته است. خبر کفالیون در کتاب از بیوس Eusebius است که در حدود سال ۲۶۴ در قیساریه از بلاد فلسطین تولد یافت و در سال ۳۴۰ در گذشت نقل گردیده است. همین خبر نیز در کتاب گورگیوس سنکلس Georgios Synkellos که در حدود ۷۷۵-۸۰۰ میلادی میزیسته نقل شده است. ژوس تینوس Justinus مورخ رومی که در سال ۱۲ میلادی بسر میرده در تاریخ خود از آشور و نینوس و زنتس سمیرامیس و پسرش نینیاس Ninias مفصلاً صحبت داشته ضمناً مینویسد: نینوس پس از رام ساختن آسیا آخرین جنگش بصد زرتشت پادشاه بلخ بوده است. میگویند که او آئین مغ آورده و از اصول کائنات و سیر اختران بحث نموده است. زرتشت در این جنگ کشته گردید و نینوس نیز پس از آن در گذشت؛ همچنین کلیه نویسندگانی که از داستان نینوس و لشکر کشی وی بسوی بلخ ذکر کرده اند پادشاه همآورد او را زرتشت نوشته اند از آنجمله تئون Theon یونانی دانشمند بیان ومعانی که ظاهراً در سال ۱۲۵ میلادی میزیسته. و آرنوبیوس Arnobius رومی، عالم بیان ومعانی، که در حدود ۲۹۵ نوشته و آگوستینوس Augustinus کشیش رومی که در ۱۳۵ نوامبر ۳۴۵ تولد یافت و در ۲۸ اوت ۴۳۰ در گذشت و مورخ ازمنی موسی خورونجی Moses Xorone'i که

۱ - رجوع شود به Iranische Nationalepos von Naldecke im Grundsiss der iranischen Philologie Fand II S. 132

۲ - سال ولادت از بیوس ۲۶۷ و ۲۶۰ نیز نوشته شده Eusebius, Chronicon, edit. Karts, 29,1

۳ - Georgios Synkellos, Chro. edit. Dindorf 1,315

رجوع شود به Die Fragmente der griechischen Historiker von Felix Jacoby, Zweiter Teil, Zeitgeschichte A: Berlin 1926 S. 436-445

۴ - Marcus Junianus Justinus, Historiae Philippicae l. l. 9-10

۵ - Aillies Theon, Progymnasmata, 9.

۶ - Arnolius, Adversus Gentes I,5

۷ - Aurelius Augustinus, De Civitate dei libri XXI, 14

در سال ۴۰۷ م تولد یافت و در ۴۹۲ در گذشت ۱ و از زیوس Orosius نویسنده که در اسپانیا تولد یافت و کتابش در ۱۷ م میلادی نوشته شده ۲ و ایزیدروس Isidorus اسقف اسپانیولی که در حدود ۵۶۰ - ۶۳۶ میلادی میزیسته ۳ و غیره. از وفور این اخبار که گفتیم مأخذ همه کتزیاس میباشد ابدأ جای تردید نیست که کتزیاس پادشاه بلخ را زرتشت نامیده باشد. برخی از مستشرقین این زرتشت را بملاحظه اینکه پادشاه بلخ خوانده شده غیر از زرتشت پیغمبر پنداشته اند ولی هیچ جای شک نیست که مقصود کتزیاس و کلیه مورخین مذکور همان زرتشت پیغمبر بود، است در میان مورخین مذکور که برخی نینوس و برخی دیگر سمیرامیس را رقیب زرتشت نوشته اند صراحتاً از زیوس Eusebius و کورگیوس Georgios زرتشت را مغ و پادشاه بلخ دانسته اند. از زیوس Orosius مانند یوس تینوس که ذکرش گذشته مینویسد نینوس بلخ را فتح کرد و زرتشت مغ در آن جنگ کشته گردید. موسی خورونجی نیز این زرتشت را مغ دانسته چنین مینویسد: « وقتی که سمیرامیس (زن نینوس) تابستان را در ارمنستان گذرانید زرتشت مغ و امیر ماد را آشور و نینوی نمود پس از چندی از همدیگر کینه گرفته و سمیرامیس از بیم زرتشت روی بگریز نهاد. نیناس Ninvas پسر سمیرامیس مادرش را در ارمنستان دستگیر نموده کشت و تاج و تخت آشور را بدست آورد » اما اینکه در کتاب دیودورس Diodorus برخلاف کتزیاس دیگر اوخسپارتس Oxyartes بجای زرتشت ضبط شده سهوی است که وقوعش چندان دشوار نبوده است. این اسم در برخی از نسخ نیز Exaortes نوشته شده و در دو نسخه هم Zaortes مندرج است. این هیأت اخیر با اسم پیغمبر ایران زرتشت که معمولاً نزد یونانیان Zoroastres گفته شده بسیار نزدیک است و گذشته از این در جای دیگر کتاب دیودورس و در موضوع دیگر باز اسم اوخسپارتس موجود است. این اسم از اسامی معروف ایرانی بوده در اریخ مکرراً باشخاصی که چنین نامزد بوده اند بر میخوریم بخصوصه در اخبار راجع بلخ Oxyartes یا Oxathres هیأت یونانی است بجای کلمه فرس هخامنشی و اوستایی هوخشتر Huxsathra که لفظاً بمعنی شهر یار خوب میباشد. در عهد هخامنشیان بسا اشخاصی نامی باین اسم نامزد بوده اند از آنجا که پسر داریوش دوم و برادر داریوش سوم و دیگری یکی از سرداران داریوش سوم و غیره همچنین زن ایرانی که اسکندر پس از فتح بلخ در آنجا اختیار کرده اسم او را روخسن Roxane نوشته اند دختر هوخشتر Oxyartes بود است. Roxane نیز هیأت یونانی است بجای کلمه رزخشن یعنی روشن چنانکه ملاحظه میشود

۱ - Collection des Historiens Anciens et Modernes de l'Arme
nie, Paris 1867 - 1869, Tome II p. 59, 69.

۲ - Paulus Orosius, Historiarum adversus paganos libri I, 4, 1. 3

۳ - Isidorus Hispalensis, Etymologianum libri VIII, 9, Chronichon -
magn. 12

ابداً بعید نیست که در کتاب دیدر روس در خبری راجع بباخ او خسیارتس بجای زرتشت آمده باشد لابد مدت‌ها پس از زمان کتزیاس این اسم از تاریخ اسکندر برداشته شده است. بنا بخر کتزیاس بایستی زرتشت در نیمهٔ دومی از قرن سیزدهم پیش از مسیح زیسته باشد زیرا که فتح باخ بلست نینوس در سال ۱۲۰۰ پیش از مسیح روی داد هر چند که کتزیاس راجع بزمان زرتشت بهمدی نپرداخته که نتوان پذیرفت تقریباً بکصد سال باخر خساتوس Xantos فرق دارد. این دو خبر قهراً ما را در خصوص زمان پیغمبر بهمین حدود متوجه میسازد اما این خر کتزیاس در طی داستانی باین همه رنگ و آب قابل تأمل است. نخست اینکه پادشاه داستانی نینوس همان نمرود ماصر ابراهیم است و باید از داستانی بدستان‌های دیگر در آئیم و بیش از پیش از زمینهٔ تاریخ دور شویم.

ابوریحان بیرونی در جدول پادشاهان انور (آشور) از نینوس بهمین املاء اسم برده مدت سلطنت او را شصت و دو (۶۲) سال نوشته و او را بانی شهر نینوی دانسته میگوید ابراهیم در سال چهل و سوم پادشاهی وی متولد شد. از یوس Eusebius که ذکرش گذشته مدت پادشاهی نینوس را پنجاه و دو سال (۵۲) نوشته است زن نینوس که گفتیم سمیرامیس نامزد بوده نزد ابوریحان اشمعمر شده و او بانی سامره است و مدت سلطنت وی چهل و دو (۴۲) سال بوده است. پسر نینوس که گفتیم نینیاس Ninias نام داشته نزد ابوریحان زامیس قید گردیده و مدت سی و هشت (۳۸) سال پادشاهی داشته و از قهر و سخط وی گریخته بقلسطن رفت. بنا بخر ابوریحان ابراهیم در سن هفتاد و دو (۷۲) سالگی از بابل مهاجرت کرده است. در تورات نیز ابرام (ابراهیم) در همین سن مهاجرت اختیار نمود. شکی نیست که در جدول مذکور نینوس همان نمرود است که بنا بمندرجات تورات معاصر ابراهیم بوده است. داستان نمرود و ابراهیم پسر آزر در کلیه کتب تواریخ مشروحاً ذکر شده بخصوص در تاریخ طبری که جامع داستان یهودی و اسلامی این دو است. کلمنت Clement که کتاب خود را در میان سنوات ۳۵۰-۴۰۰ میلادی نوشته می نویسد نمرود همان کسی است که یونانیان نینوس مینامند.

۱ - Geschichte Iran von Justi im Grundriss der Iranischen Philologie B. II, S. 204.

۲ - رجوع شود بآثار الباقیه ص ۸۵ بجدول ماوک بابل بصفحه ۸۷ آثار الباقیه نیز مراجعه شود.

۳ - رجوع شود بتورات سفر پیدایش باب ۱۲ فقره ۵.

۴ - رجوع شود بتورات سفر پیدایش باب ۱۰ قتره ۸ و بابهای ۱۱-۱۳.

۵ - Journal of the Cama Oriental Institute, No. 14

ایپلانوس Epiplanus که در سال ۳۱۵ میلادی در قسطنطنیه تولد یافت و در ۴۰۳ در گذشت زرتشت را همان نمرود دانسته که بمشرق ایران زمین آمده در آنجا شهر باخ را بنا نهاد. Adv. acrisis 1-106.

زمان ابراهیم معاصر نمود نظر به مندرجات توراہ در حدود هزار و نهمصد (۱۹۰۰) بیش از مسیح بر آورد شده در صورتی که زمان نینوس معاصر زرتشت در خبر کتزیاس در حدود سال هزار و دویست (۱۲۰۰) بیش از مسیح پنداشته شده است. ارزوس Orosius که ذکرش گذشت زمان نینوس را هزار و سیصد (۱۳۰۰) بیش از بنای شهر رم دانسته است چنانکه میدانیم بنابستت مشهور شهر رم در سال هفتصد و پنجاه و سه (۷۵۳ یا ۷۵۰) بنا نهاده شده نظر باین نینوس در دوهزار و پنجاه و سه (۲۰۵۳) سال پیش از مسیح بسر میرده است. دوم اینکه سمیرامیس معاصر زرتشت که در داستان بابلی نامی تر از شوهر خویش نینوس میباشد در تاریخ بابل و آشور زنی باین نام و نشان سراغ نداریم مگر سمورمت Sammuramat که زمانش بسیار متأخر تر از زمان نینوس است. نزد جمعی از دانشمندان همین سمورمت است که رنگ و آب داستانی گرفته زن نینوس و ماکه زبردست و جهانگشا تعریف شده است. سمورمت زن پادشاه واقعی آشور رمان نیراری Rammanirari سوم بوده که در سنوات ۸۱۱-۷۸۳ پیش از مسیح سلطنت نمود. این زن لابد در عهد مذکور مقام بزرگی در سیاست مملکت داشته که اسمش با اهمیت مخصوصی با اسم شوهرش در يك کتیبه ذکر شده است. بهر حال داستان نینوس و زنش سمیرامیس یا قصه نمود و معاصرش ابراهیم در هر کجا که ذکر شده باشد طوری نیست که بتوان از آن بوقایع تاریخی رسید و از آن نتیجه گرفته زمانی از برای زرتشت که بگفته کتزیاس هم آورد نینوس بوده معین نمود گذشته از این کایه مطالب تاریخی که از مأخذ کتزیاس بمارسیده بيك طرز شگفت آمیز ذکر کرده شده است. این ظیب که بگفته خودش بسیار طرف توجه پادشاه ایران بوده و بساهم در امور کشوری سمت رسالت و سفارت داشته بيك راوی راستگوئی مروف نیست. بیشتر مطالبش را نادرست و برخلاف واقع دانسته اند ۲ با اینکه مکرراً به هرودت و کرنفون نسبت دروغ داده معلوم نیست که خود تا بچه اندازه پای بند راستی و درستی بوده است و اسناد دولتی ایران را که میگوید مورد استفاده اش بوده بدرستی نقل کرده باشد ۳ کتزیاس با وضاع درباری ایران یعنی دسایس زنان خانوادۀ اردشیر دوم اهمیت مخصوصی داده ولی بآنها هم باید در کمال احتیاط نگریست و ارزش تاریخی نباید بآنها داد. با وجود اینها بسیار جای افسوس است که کتاب

۱ - رجوع شود به Chronologische Untersuchungen von Marquart;

Leipzig 1899 S. 642

۲ - رجوع شود به Die Assyriaka des Ktesias, Philologus Supplement Band VI 2. Hälfte S. 503-658, Doktordissertation

Vorgelegt im Jahre 1892.

۳ - رجوع شود به Das Iranische Nationalepos von Noldeke im

Grundriss der iranischen Philologie B. II, S. 132.

کنزیاس از میان رفته فقط قطعاتی از آن در کتب نویسندگان متأخر بجا مانده است چون او مدتی در ایران و در دربار زیسته میتوان گفت که یک رشته از سنت و روایت قدیم را شنیده و یادداشت کرده بوده است. اما مطالبی که راجع بزرتشت نوشته از چند جهت قابل توجه است. نخست، چنانکه گفتیم، بعدها نیرداخته که نتوان پذیرفت دوم اینکه زرتشت را از بلخ دانسته است در سنت مزدیسنان این قسمت از ایران زمین یعنی مشرق وطن زرتشت دانسته شده و بنا بسنت دیگر مغرب، آذربایجان، وطن اصلی پیغمبر است. سوم اینکه بوجود سلطنتی در بلخ قائل شده و این ابداً مخالف تاریخ نیست.

شکی در این نیست که پیش از سرکار آمدن دولت ماد در مغرب ایران در مشرق دولتی کم و بیش مهم وجود داشته است. سرودهای مقدس پیغمبر که گاتها باشد بوجود چنین سلطنتی در مالک شرقی ایران دلالت دارد چنانکه میدانیم در سنت هم معروف است که پیغمبر بکی گشتاسب پادشاه بلخ پناه برد و دین خود بدو نمود. در خود گاتها پیغمبر او را دوست و حامی خود خوانده است.

چهارم اینکه از خبر کنزیاس برمیآید که در آغاز قرن چهارم پیش از مسیح که کنزیاس کتاب خود را مینوشته هنوز سنتی که پیغمبر را از قرن هفتم پیش از مسیح بدانند وجود نداشته است.

در انجام یادآور میشویم نویسندگانی که در جزو خبر کنزیاس از آنان اسم بردیم و نوشته اند که زرتشت در جنگ نینوس در بلخ کشته شد یادآور یک سنت دیگر قدیم ایرانیان است و آن شهادت یافتن پیغمبر است در بلخ در هنگام لشکر کشی پادشاه توران ارجاسب بضد کی گشتاسب.

پس از کنزیاس شاگردان افلاطون قدیمترین نویسندگانی هستند که **افلاطون** ذکر کرده اند که زرتشت در جنگ نینوس در بلخ کشته شد یادآور یونانی که در سال ۴۲۷ میلادی تولد یافت و در ۳۴۷ پیش از مسیح در گذشت زرتشت را مؤسس آئین مغ دانسته است. این آئین بعقیده او بهترین طرز ستایش پروردگاران و دارای افکار عالی است. فلسفه افلاطون در بسیاری از موارد با تعالیم دین زرتشتی توافق دارد. بخوبی پیداست که این فیلسوف یونانی از مزدیسنا اطلاع خوبی داشته است. در ضمن توضیحات و حواشی که بعدها به الکی بیادس Alkibiades کتابی که با افلاطون منسوب است نوشته اند، زمان زرتشت را شش هزار سال پیش از وفات افلاطون یادداشت کرده اند.

۱- ترویا Troia = Troje) امروزه حصار لیک نامیده میشود و در آسیای صغیر بمسافت یک کیلومتر از کنار دریا آثار آن موجود است. جنگ دهساله یونان که موضوع اشعار رزمی هومر Homer میباشد معروف است.

رجوع شود به Griechische Geschichte von Ettore Ciccolti, Gotha 1920 S. 22-27.

در کلیه اخباری که راجع بزمان زرتشت از شاگردان افلاطون بما رسیده سخن از عهدی است که دست انتقاد تاریخی بآن حدود نمیرسد. این شاگردان عبارتند از ارسطاطالیس Aristoteles فیلسوف معروف یونانی از مقدونیه که در سال ۳۸۴ پیش از مسیح تولد یافت و در سال ۳۲۲ درگذشت و دوست و مربی اسکندر بوده است؛ دومی ادکسوس Eudoxus همشهری کنزیاس از شهر کنیدوس (Cnidus) سومی - هرمدرس Hermodoros معاصر دو فیلسوف اولی. اخبار حکماء مذکور در کتب نویسندگان دیگر بجای مانده است. پلینیوس را Plinius را باید درسراين نویسندگان شمرده. پلینیوس رومی که از برای امتیاز پلینیوس بزرگ نامیده میشود در سال ۲۳ میلادی تولد یافت و در ۷۹ در هنگام آتش فشانی کوه وزو Vesuve هلاک گردید. از این دانشمند کتاب بزرگی موسوم بتاریخ طبیعی Naturalis Historia مشتمل بر ۳۷ جزو بجا مانده است. در این کتاب که يك قسم دائرةالمعارفی است از جغرافیا و ملل و اقوام و آدمی و جانور و گیاه و انواع داروهای نباتی و حیوانی و معادن و غیره سخن رفته است، در ضمن مکرراً از ایران یاد شده است. در جزو بیست و نهم (۲۹) این کتاب از داروهای حیوانی و نباتی سخن رفته استخراج برخی از آن ادویه بمغان نسبت داده شده است. باین مناسبت پلینیوس در جزو سیام کتاب خود از معان و مؤسس اصلی این آئین زرتشت صحبت میدارد. پلینیوس در مندرجات خود معان ایران و بیروان آئین زرتشت را از معان کلدانی که بهمین اسم بساحری و جادوگری شهرت داشته اند امتیاز داده مینویسد: ادکسوس Eudoxus و ارسطاطالیس زمان زرتشت آورنده آئین مغ را که عالی ترین و مفید ترین فلسفه است شش هزار (۶۰۰۰) سال پیش از مرگ افلاطون دانسته اند و بعد مینویسد: بگفته هرمیپوس Hermippus زرتشت پنجهزار (۵۰۰۰) سال پیش از جنگ ترویا Troia میزیسته است. پلینیوس نظر باین دوخبر میافزاید: موسی چندین هزار سال پس از زرتشت بسر میبرده است؟ همچنین پلینیوس در انجام این مبحث از مغی موسوم به اوستانس Ostaes که در هنگام لشکر کشی خشیارشا بطرف یونان با او همراه بوده اسم برده مینویسد: زرتشت دیگری اندکی پیش از اوستانس میزیسته است. پلینیوس مأخذ این خبر اخیر را ذکر نمیکند. نظر باینکه لشکر کشی خشیارشا بطرف یونان در سال ۴۸۰ پیش از مسیح بوده و شهادت زرتشت بنا بسنت در سال ۵۸۳ پیش از مسیح اتفاق افتاده فقط صدوسه (۱۰۳) سال میان این دو واقعه فاصله است و میتوان گفت که میان این خبر اخیر پلینیوس و تاریخ سنتی که از برای زرتشت قائل شده اند ارتباطی است. بنابراین تاریخ سنتی زرتشتیان در خصوص زمان پیغمبر در عهد پلینیوس که قرن اول میلادی است موجود بوده است. خبری که پلینیوس از هرمیپوس Hermippus نقل کرده از اینکه زرتشت پنجهزار سال پیش از جنگ ترویا میزیسته بایستی از مأخذ

۱ - زمان موسی پیغمبر بنی اسرائیل در قرن یازدهم پیش از مسیح معین شده است

Plinius (Maior), Naturalis Historia XXX 2, 1

قدیمی و بشاگرد سومی افلاطون هرمدروس منسوب باشد هر میوس خود از بزرگان فلاسفه یونان از شهر از میر بوده و در سال ۲۵۰ پیش از مسیح بسر میبرده است. راجع بمنع کتابی داشته که بدبختانه از دست رفته است مأخذش در این موضوع همان مندرجات ارسطاطالیس و ادکسوس بوده است. خبرش راجع بزمان زرتشت باید از هرمدروس باشد که در قرن چهارم پیش از مسیح میزیسته است زیرا که دیوژنس لرتیوس Diogenes Laertius (در حدود ۲۱۰ میلادی) که ذکرش گذشت از همین هرمدروس نقل کرده می نویسد زرتشت پنجهزار (۵۰۰۰) سال پیش از جنگ ترویا بسر میبرده است. همچنین بعیداً پلوتارخس Plutarchos مورخ و نویسنده یونانی که در سال ۴۶ میلادی تولد یافت و در ۱۲۵ درگذشت زمان زرتشت پنجهزار سال پیش از جنگ ترویا بوده است.^۲

بنا بخری که زرتشت شش هزار سال پیش از وفات افلاطون میزیسته زمان پیغمبر ایران بسال ۶۳۴۷ پیش از مسیح میافتد. در صورتی که بنا بخر دیگر عهد پیغمبر را پنج هزار سال پیش از جنگ ترویا بدانیم زمان وی بسال ۶۱۸۴ پیش از مسیح میافتد. زیرا که معمولاً فتح ترویا Tröia را بدست یونانیان در سال ۱۱۸۴ دانسته اند. چنانکه ملاحظه میشود تفاوت این دو خبر از همدیگر فقط صد و شصت و سه (۱۶۳) سال میباشد. این تفاوت نظر باین اعداد گزاف بسیار نیست. میتوان گفت که مأخذ هر دو خبر یکی بوده است. گفته خود پیدا است که اخبار فیاسوفهای مذکور در خصوص زمان زرتشت ارزش تاریخی ندارد یتین است در عهد آنان هم اسنادی که گویای تاریخی باین همه قدمت باشد در دست نبوده است. همیقدر میدانسته اند که زرتشت در یک عهد بسیار کهنی میزیسته. وفات استاد خود افلاطون را شش هزار سال پس از ظهور زرتشت نوشته اند، بدون اینکه نظری بیان واقعه ای تاریخی داشته باشند.

هر چند آنان از بزرگان هستند و آنچه از آنان در کتب نویسندگان یونان و روم راجع باین مغ بامزدیسا نقل شده بهترین دلیل اطلاع آنان است بکیش ایران اما از خبر راجع بزمان مؤسس این دین جز ازین نتیجه نمیتوان گرفت که تاریخ سنتی در زمان آنان هنوز وجود نداشته و زمان پیغمبر را در قرن چهارم پیش از مسیح بالاتر از قرن هفتم میدانستند قری که بعد ها درست از برای زرتشت قائل شده اند. شکی نیست که فیاسوفهای مذکور از خود چنین عهدی از برای زرتشت نساخته اند بلکه سنت ایرانیان را راجع بطول زمان که مدت ۱۲،۰۰۰ سال باشد شنیده بودند و فروهر زرتشت را در نیمه این عهد قراردادند.^۳

اخباری که نویسندگان در کتب خود از برسوس Beresos نقل کرده - برسوس اند پس از اخبار شاگردان افلاطون قدیمترین مأخذی است که در آنها Beresos از زرتشت و زمان وی یاد شده است برسوس مورخ و پیشوای معروف

۱ - Diogenes Laertius, Proem. ۲.

۲ - Plutarches de Isid. et Osir. XLVI

۳ - Jackson, Zoroaster P. 151 رجوع شود بجکسن

بابل در قرن سوم پیش از مسیح میزیسته. تاریخ بابل و آشور او که قدماء خلدئیکا Xaldaikà یا بابیلونیاکا Babyloniakà نامیده اند در عهد سلطنت انتیوخس اول Antiokhos Soter (۲۸۰-۲۶۱ پیش از مسیح) تالیف شده است. چون بروسوس پیشوای معبد بل، پروردگار بزرگ بابل، بوده بکتابخانه پرستشگاه راه داشته و اسناد بسیار قدیمی در دست داشته است. این کتاب نفیس بدبختانه از میان رفته فقط قطعاتی از آن در کتب مؤلفین بعد بجا مانده است. از جمله نویسندگانی که از کتاب مذکور مطالبی حفظ کرده، آلکساندریولی هیستور Alexander polyhistor بوده است که در قرن اول پیش از مسیح میزیسته و از یونانیان آسیای صغیر از شهر میله Milet بوده است. از این مورخ قطعاتی در کتب نویسندگان دیگر مانده است: یکی از آنان از ییوس Eusebius اسقف معروف فلسطین است که در سنوات ۲۶۴ - ۳۴۰ میلادی میزیسته و دیگری گئورگیوس سینکلوس Georgios Synkellos که در حدود ۷۷۵-۸۰۰ میلادی بسر میرده است. اینک شرح این خبر بنا بمندرجات از ییوس: بروس در کتاب مذکور خود از آغاز آفرینش سخن رانده از اینکه در جهان نخست جانوران میزیستند از این دوره گذشته از پادشاهان داستانی یاد کرده است. نخستین خدیو روی زمین الاروس Alarus بوده ۴۲۰۰ سال پادشاهی کرد. پس از او پادشاه دیگر در مدت ۴۲۰۰ سال شهریاری داشتند. در عهد خیستروس Xisthrus آخرین پادشاه این دوره طوفان روی داد. بل، پروردگار بزرگ جهان را نابود کرد. چون خیستروس خسروی خدایرست بود پیش از طوفان از عالم غیب بدو دستور رسید که چگونه کشتی سازد و خودوزنان و فرزندان و کسان و جانوران از آسیب برهاند. طوفان خیستروس با تمام جزئیاتش یاد آور طوفان نوح است که در توراة از آن سخن رفته است. بنا بتاریخی که بعد ذکر خواهد شد این طوفان در سال ۳۵۳۷۱ پیش از مسیح روی داد و طوفان نوح بنا بمندرجات توراة در سال ۲۵۰۰ پیش از مسیح وافع گشت. الاروس در داستان بابلی بجای هوشنگ پیشدادی ایرانیان است که نخستین پادشاه بود و یا بجای کیومرث است که در شاهنامه نخستین خدیو خوانده شده است ۲. بروس پس از ذکر طوفان و دیگر باره آباد گردیدن جهان از عهدهای داستانی گذشته از دوره های تاریخی وطن خود خبر میدهد از این قرار: پس از طوفان خیستروس هشتاد و شش پادشاه که از همه نام برده در مدت ۳۳۰۹۱ سال شهریاران بابل بودند. پس از آن مادها این ممالک را گرفتند هشت تن از پادشاهان این سلسله که نیز از همه نام برده شده در مدت ۲۲۴ سال در بابل پادشاهی کردند پس از سیری شدن این دوره چهل و نه پادشاه کلدانی بسر کار آمدند و طول سلطنت آنان مجموعاً ۴۵۸ سال بوده است ۲.

۱ - رجوع شود بمقاله هوشنگ در جلد اول یشتها ص ۱۷۸ - ۱۷۹ و بمقاله

کیومرث در جلد دوم یشتها ص ۴۱-۴۵.

Eusebius, Chronikon, hg. von Schoene, S. 25

- ۲

تولد از ییوس بنا باختلاف در سال ۲۶۰ یا ۲۶۴ میلادی در قیساریه از بلاد فلسطین بوده است.